انترناسیونال 768

حسن صالحی

**رنسانس ضد اسلامی در ایران و ترس آیت الله ها**

سید یوسف طباطبایی نژاد امام جمعه اصفهان گفته است: روایت داریم اگر فردی سه هفته از روی بی اعتنایی نمازجمعه را ترک کرد باید خانه را روی سرش خراب کرد.

می دانم که همه می گوئید این حرفهای امام جمعه اصفهان ناشی از بی رونقی نماز جمعه است وچنان قافیه برآنها تنگ شده است که این طور جفنگ می گویند. اما فقط مسئله این نیست. نماز جمعه تنها یک گوشه از مسئله است. مسئله رویگردانی و بعبارت درست تر گسترش ضدیت با اسلام در جامعه است. ضدیت با اسلام فقط نرفتن به نماز جمعه نیست. ضدیت با اسلام یعنی دست انداختن آخوند و ملا در کوچه و خیابان. ضدیت با اسلام یعنی ابراز نفرت و اعتراضی علنی علیه حاکمیت خدا در ایران. ضدیت با اسلام یعنی رشد بی خدایی در جامعه. ضدیت با اسلام یعنی رشد برق آسای دهها گروه ضد مذهبی در ایران. ضدیت با اسلام یعنی مسخره کردن مراسم و مناسک مذهبی. ضدیت با اسلام یعنی پشت پا زدن به ارزشهای ضد زن و مردسالارانه اسلامی. ضدیت با اسلام یعنی گسترش نقد مذهب، خرافات مذهبی و فعالیت وسیع و گسترده بی خدایان و بی مذهبان در شبکه های اجتماعی. ضدیت با اسلام آنطور که خودشان می گویند یعنی به آغوش گرفتن **"الحاد و ارتداد"** از سوی جوانان...

مظاهر رویگردانی از اسلام و ضدیت با مذهب در ایران زیاد است. و ما بارها شاهد هشدارها و نگرانی های حکومتیان در این باره بوده ایم. ترساندن مردم از جهنم و خانه خرایی و چنین خزعبلاتی دیگر کارساز نیست. مردم ایران تجربه کرده اند که حاکمیت دین و اسلام چگونه با فرهنگ و تمدن و علم  و هر گونه نشانه ای از انسانیت و آزادگی خصومت دارد. آنها می دانند که حکومت دین اسلام حکومت تعزیر و قصاص٬ شلاق زدن و سنگسار کردن، دست و پا قطع کردن، ترور، شکنجه و اعدام و تجاوز و قتل های زنجیره ای است. آنها میدانند که حاکمیت اسلام یعنی حکومت فقر و جهل و خرافه و استثمار وحشیانه کارگران و تبعض آشکار علیه زنان. آنها به معنای حقیقی و زمینی حاکمیت مذهبی پی برده اند و می دانند که اسلام چه ظرفیت پایان ناپذیری برای تقدیس هارترین و ارتجاعی ترین گرایشات سرمایه داری منحط و محتضر دارد.

# تجربه خونین چهار دهه حاکمیت مذهبی، جامعه ایران را در آستانه یک رنسانس عظیم قرار داده است. به قول حمید تقوایی حکومت متحجر و ضد انسانی اسلامی یک اپوزیسیون، یک مقاومت کاملا مدرن، انسانی و امروزی را در مقابل خودش بسیج کرده است و این اپوزیسیون اکثریت مردم ایران هستند که حکومت مذهبی را نمی خواهند. نه تنها حکومت مدهبی را نمی خواهند، بلکه می خواهند مذهب از حیطه تفکر، هنر، فرهنگ رسمی و ازکلیه شئونات اجتماعی  کنار گذاشته شود. جامعه آبستن یک نقد عظیم فکری، فلسفی، هنری، سیاسی و اجتماعی با مذهب می باشد و پرچم این امر در دست مردم ایران است. مردمی که هم اکنون انقلاب عظیمی را برای سرنگونی جمهوری اسلامی شروع کرده اند. نتایج اجتماعی، فرهنگی و انسانی این انقلاب و سرنگونی رژیم اسلامی چیزی کمتر از یک رنسانس نمی تواند باشد. منتها رنسانس قرن ٢١ رنسانس چپ، رنسانس سوسیالیستی است که از نظر فکری، اجتماعی، طبقاتی، علمی، هنری، فلسفی و همچنین سیاسی عمیقا و ریشه ای مذهب را نقد می کند و آن را به عنوان تفکر دوران ابتدایی و بدوی زندگی بشری برای همیشه به موزه ها می سپارد.